

کالبدشکافی یک عشق کهن

وطن پرستی و وطن فروشی مفاهیمی است که در روزهای جنگ خود را مصداقاً نشان می دهد.

«جوان» به کالبدشکافی این عشق کهن پرداخته است



■ سجاد آذری

یک نفر در صفحه شخصی خود در توئیتر نوشته است: «تو خوابم هم نمی‌دیدم یک روز برای لاریجانی و تنگسیری گریه کنسم و دلم بخواد قالیباف سلامت باشه و گوشه خیابون به بیابنه (آیت‌الله) جنتیسی خامنه‌ای گوش بدم. فکر نمی‌کردم پرچم ایران رو تو خیابون‌ها تکون بدم. اینا اثرات جنگه. جنگ اسرائیل و امریکا و سلطنت‌طلب‌های بی‌وطن با این خاک. « این توثیت با استقبال تعداد زیادی از کاربران، اتفاقاً خارج از ایران نیز روبه‌رو شده که از حس حالی شبیه به این می‌گویند: افرادی که تا دیروز حتی خود را برانداز جمهوری اسلامی ایران می‌دانستند، امروز نگران این هستند که مسئولان نظام سالم و سلامت باشند و بتوانند از وطن مادری شان دفاع کنند؛ احساسی که این روزها فارغ از هر نوع گرایش و وطن پرستی نامیده می‌شود.

در هیاهوی زندگی روزمره، گاه واژگانی چنان دستمالی می‌شوند که معنای حقیقی خود را از دست می‌دهند و تبدیل به یک کلمه عادی خالی از معنی می‌شوند. جامعه ممکن است آنقدر این کلام را شنیده باشد که معنای واقعی آن را فراموش می‌کند. وطن پرستی احتمالاً یکی از همین واژگان است؛ کلیدواژه‌ای که هم بر سررد دانشگاه‌ها و مساجد نقش بسته و هم در کوچه و بازار، مرز میان دوست و دشمن را ترسیم می‌کند. اما جنگ اخیر نشان داد نه تنها عده‌ای معنای واقعی این کلام را فراموش کرده‌اند، بلکه حتی رفتاری برعکس وطن پرستی که امروز به عنوان وطن‌فروشی شناخته می‌شود را نیز انجام می‌دهند.

وطن پرستی مفهومی نیست که امروز و دیروز مثلاً در پی جنگ‌های اخیر یا جنگ ایران و عراق باشد. با نگاهی گذرا به تاریخ به خوبی می‌توان

دید که مفهوم وطن و در پی آن وطن پرستی تاریخی همزمان با شکل‌گیری جوامع انسانی دارد. هر چند این مفهوم شاید در ابتدا به شکل ساختار یافته امروز قابل شناسایی نبوده، اما از همان ابتدا نیز قبایل و گروه‌های انسانی با این واقمیت آشنا بودند که برای حیات اجتماعی سالم نیاز دارند تا از محدوده‌ای که متعلق به آنهاست محافظت کنند. این مفهوم کم‌کم در متون دینی، اخلاقی و انسانی نیز جای خود را باز کرده است.

■ کالبدشکافی مفهوم وطن پرستی

برای فهم وطن پرستی، ابتدا باید آن را از همسایگان پر سر و صدایش مانند ملت‌گرایی یا شوونیسم جدا کنیم. وطن پرستی در اصیل‌ترین معنای خود، یک احساس تعلق و دلباختگی عاطفی به یک سرزمین و فرهنگ است. این عشق، بر خلاف تصور رایج، پدیده‌ای مدرن نیست. ردیاب یونان و روم جست‌وجو کرد، جایی که شهروندان به پاتر یا یعنی سرزمین پدری سوگند وفاداری می‌خوردند. وفاداری در آن دوران، نه بر اساس نژاد یا زبان که بر اساس ارزش‌های مدنی مشترکی چون آزادی و حاکمیت قانون تعریف می‌شد.

اما ملت‌گرایی داستان متفاوتی دارد. این پدیده، عمدتاً محصول قرن نوزدهم و تحولات پس از انقلاب فرانسه است. ناسیونالیسم، از عشق به وطن عبور می‌کند و به ایدئولوژی برتری طلبی می‌رسد. ناسیونالیسمت، مرز می‌کشد و دیگری را طرد می‌کند. وطن پرست، به وطنش عشق می‌ورزد؛ ملت‌گرا، ملتش را از دیگر ملل بالاتر می‌شاند اما شوونیسم چهره افراطی و بیمارگونه این ماجراست. این واژه بر گرفته از نام نیکولا شون، سرباز متعصب ناپلئون است که با تعصبی کورگورانه، حتی پس از نابودی امپراتوری فرانسه، بر برتری آن پای می‌فشرد. شوونیسم، عشق آمیخته با جهل و ستیزه‌جویی است. شوونیست، نقد را برنمی‌تابد و هر صدای مخالفی را خیانت می‌پندارد. در ادبیات سیاسی جهان، شوونیست یک دشنام است و نشانه تعصب لجوجانه.

■ وطن‌پرورش

در کنار مفهوم وطن‌فروشی، یکی از پرنماتشه‌ترین مفاهیم در این حوزه، واژه وطن‌فروشی است. در تاریخ معاصر و قوانین بین‌الملل، وطن‌فروشی جرمی مشخص با تعریفی روشن شامل همکاری آگاهانه با دشمن خارج علیه منافع کشور و امنیت هم‌میهنان است. نمونه بارز آن، همکاری برخی دولت‌های دست‌نشانده یا جاسوسان با ارتش‌های اشغالگر در طول جنگ‌های جهانی بود البته در طی اخیر نیز شاهد نمونه‌های متعددی از همکاری اطلاعاتی تا حتی همکاری رسانه‌ای و تبلیغاتی با دشمنان ایران بودیم. امروزه با گسترده‌گی ابزارهای اختلال دشمنان در جوامع، حکومت‌ها در سراسر جهان مجبور به تفسیر موسع اتهام وطن‌فروشی شده‌اند و در حالی که در گذشته برای وطن‌فروشی افراد نیاز داشتند ضربه‌های فیزیکی ملموسی به هموطنان خود بزنند، اما فضای مجازی موجب شده که حوزه‌های دیگری نیز در این خصوص شکل بگیرد. هر چند

در بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله ایران، عنوان مجرمانه وطن‌فروشی به صورت مستقل وجود خارجی ندارد و آنچه هست عناوینی چون جاسوسی یا همکاری با دولت متخاصم است. اما واژه وطن‌فروش بیش از آنکه در قانون مورد تصریح

قرار بگیرد در میان مردم و رسانه‌ها به منظور نشان دادن خشم خود از رفتار عده‌ای که تا دیروز آنها را هموطنان خود می‌دانستند به کار برده می‌شود.

■ مخالفت با حکومت یا وطن

قلب مسئله در این است که گاهی ممکن است



تفاوت بنیادینی میان وطن و حکومت وجود داشته باشد. در نگاه مدرن، وطن صرفاً یک محدوده جغرافیایی نیست؛ وطن به معنای مردم، زبان، تاریخ، رنج‌های مشترک و آرزوهای جمعی است و حکومت، نهادی سیاسی است که در یک بازه زمانی مشخص مسئولیت اداره این سرزمین را بر عهده دارد.

بسیاری از شهروندان که با سیاست‌های حاکمان همسو نیستند، به این دلیل در وطن می‌مانند که وطن را بزرگ‌تر از حکومت می‌دانند. برای یک کرد، بلوچ، فارس یا ترک، عشق به کوه و دشت



وطن پرستی در اصیل‌ترین معنای خود، یک احساس تعلق و دلباختگی عاطفی به یک سرزمین و فرهنگ است. این عشق، بر خلاف تصور رایج، پدیده‌ای مدرن نیست. ردپای آن را باید هزار سال پیش، در تمدن‌های ایران، یونان و روم جست‌وجو کرد

وطن دوستی در نگاه رهبر شهید انقلاب

بشنود، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد.»

رهبر معظم انقلاب در بیانات خود، مصادیق و شاخص‌های مشخصی برای وطن‌دوستی حقیقی تعیین کردند که یکی از آنها پرهیز از پاس آفرینی است و فرمودند: «شاخص اثبات ایران‌دوستی

پرهیز از پاس آفرینی است.» ایشان نامید کردن مردم از آینده کشور را در تضاد با عشق به وطن دانستند. همچنین دفاع از ایران قوی و تلاش برای پیشرفت علمی و اقتصادی کشور را از مصادیق بارز وطن‌دوستی برشمردند. ایشان وطن‌دوستی را در همراهی و همبستگی میان اقوام و گروه‌های مختلف کشور می‌دیدند و در جایی فرمودند: «وقتی دل‌ها برای حفظ وطن یکی می‌شود، باری خدای آسمان فرود می‌آید.»

در دیدگاه رهبر معظم انقلاب، ایران غیرقابل شکست است و در این خصوص فرموده بودند: «ایران با این عظمت، ایران با این تاریخ، ایران با این فرهنگ، ایران با این عزم بولادین ملی، اسم تسلیم برای یک چنین کشوری اسم بی‌مسمایی است.» ایشان فرمودند: «ایران ام‌القرای جهان اسلام می‌دانستند و فرمودند: «ایران ام‌القرای اسلام و وطن حقیقی و اصلی اسلام است.» این اصطلاح نشان می‌دهد که ایران به‌عنوان یک وطن، تنها یک واحد جغرافیایی-سیاسی نیست، بلکه پایگاه و سنگر اصلی برای آرمان‌های جهان اسلام محسوب می‌شود. این نگاه، دفاع از ایران را به دفاع از کیان اسلام پیوند می‌زند.

و کویر این سرزمین و تعلق به فرهنگ غنی آن، ربطی به وزیر و وکیل این دوره ندارد. آنان با ماندن، نه از حاکم که از تاریخ و هویت جمعی خود دفاع می‌کنند و حتی اگر نقدی نیز به شیوه حکومت‌داری دارند، نه از سر دشمنی با خاک که از سر دلسوزی برای مردم همین خاک است.

■ نگاه اسلام به حب وطن

از نظر اسلام وطن‌دوستی یک امر فطری است. اسلام، دین فطرت است. قرآن کریم در آیات متعددی اخراج از وطن را در ردیف فتنه‌انگیزی و قتل قرار داده است. این آیات به وضوح نشان می‌دهند که از منظر قرآن، تعلق به سرزمین مادری یک ضد ارزش نیست، بلکه ارزشی است که نقض آن ظلم محسوب می‌شود. این تعلق، ریشه در حب ذات یا خوددوستی دارد که پایه بقای انسان است.

شاید مشهورترین جمله در این باره، حدیث «حب الوطن من الایمان» باشد. هر چند بسیاری از محدثان و رجالیون شیعه و سنی، این جمله را از نظر سند ضعیف می‌دانند، اما نکته مهم اینجاست که علمای اسلام، به‌رغم ضعف سند، از رد مطلق محتوای آن خودداری کرده‌اند. استدلال آنان این است که اگر عشق به وطن در مسیر آبادانی،



از سوی دیگر، در تأکید بر هویت ترکیبی ایرانی-اسلامی در آموزش، ایشان در دیدار با معلمان در اردیبهشت ۱۴۰۲ فرمودند که «باید هویت ایرانی و اسلامی و شخصیت ملی را در کودکان کشور زنده کنیم.» این بدان معناست که از نگاه ایشان، نظام آموزشی موظف است از دوران کودکی، نسلی را پرورش دهد که هم به ریشه‌های تاریخی و ملی خود آگاه و مفتخر باشد و هم به ارزش‌های اسلامی پایبند. ایشان حتی بر اهمیت زبان، ملیت و پرچم به‌عنوان مسائل اساسی و مهم تأکید کرده و خاطر نشان کردند: «دانش‌آموز باید به ایرانی بودن خود افتخار کند که افتخار هم دارد.»

از سوی دیگر، ایشان با انتقاد از هویت‌زدایی و تلاش دشمن برای تغییر هویت ملی، در بیانی صریح به پروژه تاریخی غرب برای تغییر هویت ملت ایران اشاره کرده و می‌فرمایند: «۱۰۰ سال است که سعی غربی‌ها که در زمان اواخر قاجار وارد ایران شدند، این است که هویت ملت ایران را تغییر بدهند؛ هویت دینی و هویت ملی را از آنها بگیرند.» این دیدگاه نشان می‌دهد که وطن‌دوستی از منظر ایشان یک مقوله ایستا نیست، بلکه عرصه یک نبرد مستمر فرهنگی و تمدنی است.

اینجا تنها روایتی مختصر از ابعاد مختلف نگاه عمیق رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران است که وطن‌دوستی را نه تنها در تک‌های از خاک، بلکه در تمام زندگی ملت ایرانی معنا کرده است؛ موضوعی که باید برای تشریح این کتاب‌های بسیاری نگاشته شود.

د

در جنگ اخیر شاهد هستیم عده‌ای دست به وطن‌فروشی می‌زنند که با دهه‌ها شعارهایی مانند ما آریایی هستیم، عرب نمی‌پرستیم، مدعی بودند وطن پرستان واقعی آنها هستند و کسانی که در جمهوری اسلامی ایران از کشور قومت می‌کنند وطن پرستان واقعی نیستند



عدالت خواهی و حفظ ارزش‌های انسانی باشد، با روح ایمان سازگار است. اما اگر این عشق به تعصب نژادپرستانه و برتری‌جویی منجر شود، از مدار ایمان خارج می‌شود. همان‌طور که پیامبر اسلام (ص) با شعارهای قبیله‌ای عصر جاهلیت به شدت مبارزه کرد و فرمود آنها را زیر پا بگذارد و از نگاه اسلام، هویت اصلی انسان، تقوا و ایمان است، نه قومیت و ملیت. اما اسلام با وطن پرستی مدنی (عشق به مردم و آبادانی) همراه است، اما با ناسیونالیسم سیاسی (برتری‌جویی نژادی و ستیز با دیگران) سر ستیز دارد.

زیباترین نمود وطن‌دوستی در تاریخ اسلام را شاید بتوان در لحظه هجرت پیامبر (ص) از مکه دید. آن‌گاه که حضرت محمد (ص) در حالی که قریش او را از خانه و کاشانه‌اش بیرون رانده بودند، رو به کعبه کرد و با ندوه فرمود که به خدا سوگند، تو نزد من محبوب‌ترین سرزمین‌ها هستی و اگر قومت مرا بیرون نمی‌کردند، از تو بیرون نمی‌رفتم.

■ وطن اسطوره ایران باستان

امروزه در جنگ اخیر شاهد هستیم عده‌ای دست به وطن‌فروشی می‌زنند که با دهه‌ها شعارهایی مانند ما آریایی هستیم، عرب نمی‌پرستیم، مدعی بودند وطن پرستان واقعی آنها هستند و کسانی که در جمهوری اسلامی ایران از کشور دفاع می‌کنند وطن پرستان واقعی نیستند. همین افراد امروز در هماهنگی کامل نه تنها با دشمنان امریکایی و صهیونیستی، بلکه با کشورهای مترجع منطقه در حال انجام انواع تلاش‌ها برای نابودی ویراساخت‌های حیاتی و قتل عام ملت ایران هستند. در این شرایط نیز نشان دادن وطن‌پرستی واقعی

ایرانی، بد نیست به روزگاری سربرزنیم که حتی هنوز خبری از اسلام و اعراب در ایران هم نبود. در گاهان زرتشت و بخش‌های کهن اوستا از سرزمینی اساطیری به نام «ایرینه‌نَه‌وَجَه» یاد شده است. اینجا «تختسین سرزمین نیک آفریده شده از سوی اهورامزدا»ست. این موطن اسطوره‌ای که در فارسی میانه ایرانیویج نامیده شده، به ایرانیان این روزها می‌آید که سرزمین‌شان، برگزیده خداوند است. این تقدس، مهم‌ترین رکن وطن پرستی باستانی بود. در دوره هخامنشی آریا ظهور پیدا می‌کند. در سنگ‌نوشته بیستون، داریوش خود را پارسایی، پسر پارسی، یک آریایی از نژاد آریایی معرفی می‌کند. جالب است که واژه ایران به عنوان نام کشور هنوز در این کتیبه‌ها نیامده است. آنچه وجود دارد، هویت قومی آریایی است، اما سیاست و جود و روش در احترام به ملل مغلوب، نخستین جرقه‌های یک شهروندی فراگیر و فراقومی را ز د

که بعدها به وطن پرستی مدرن راه برد. نقطه اوج وطن پرستی در ایران باستان اما عصر ساسانیان است. در این دوره، مفهوم ایران از یک ایده قومی به یک واحد سیاسی- فرهنگی به نام ایرانشهر تبدیل شد. این مفهوم، ماهیتی پرهورندی داشت. در ایرانشهر، یک مسیحی یا یهودی نیز ایرانی محسوب می‌شد. ساسانیان با ایجاد مناصبی چون ایران سپهبد (فرمانده کل ارتش ایران) و استفاده از القابی چون شاهنشاه ایران و انبیران (غیرایران)، آگاهانه در حال ساختن یک هویت ملی متحکم بودند. این هویت، با دین زرتشتی به عنوان دین رسمی گره خورد و مفهوم دفاع از وطن را تبدیل به یک تکلیف دینی در برابر اهریمن کرد.

■ جمع‌بندی

در مجموع بررسی سیر تاریخی مفهوم وطن، از اوستا تا قرآن و از داریوش تا جهان مدرن، ما را به این نتیجه می‌رساند که وطن پرستی یک غریزه باستانی است. این احساس با «حب ذات» و نیاز به تعلق گره خورده و هزاران سال قدمت دارد. این یک پدیده مدرن یا وارداتی نیست. وطن حتی با حکومت نیز مساوی نیست. درک این تفاوت، کلید حل معمای ماندن یا وجود مخالفت است. وطن، تعلق به تاریخ و مردم است. وطن پرست واقعی کسی است که برای مردم کشورش تلاش می‌کند. در این میان اسلام و ایران باستان نیز در اصل دفاع از سرزمین اشتراک نظر دارند. هر دو نظام فکری، دفاع از کیان سرزمینی در برابر متجاوزان نه تنها حق که وظیفه‌ای مقدس می‌دانند. تفاوت در این است که اسلام مرز تعصب قومی را در هم می‌شکند و ایران باستان آن را با تقدس آیینی در هم می‌آمیزد.